عنوان:

توضیح تشبیه دین حق به نور

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-b-6 |
| موضوع | بلاغت/تشبیه |
| موضوع مرتبط | بصیرتی/ویژگی کید دشمن |
| رده | علمی/ادبیات عربی/بیان/کمک آموزشی/جواهرالبلاغة/مثال و تطبیق |
| برچسب | تشبیه، تشبیه معقول به محسوس، امام خامنه ای، دین خدا، نور، دشمن، علامه طباطبایی(ره)، ابن عاشور |

**امام خامنه‌ای مدظله العالی:**

«امروز فکر کردم که از فرصت استفاده شود و ضمن این‌که مسائل مهمّی را که مناسب می‌دانم در آغاز این سال جدید هجری شمسی عرض شود، یک نکته‌ی قرآنی هم مطرح گردد ... آن نکته‌ی قرآنی این است که در آیات متعدّدی از قرآن کریم، خدای متعال وعده فرموده است که دین خدا و دین حق را در مقابل کارشکنی‌ها و دشمنی‌ها و حسادت‌ها و کین‌ورزی‌های دشمنان در طول زمان، حفظ خواهد کرد. این آیه‌ی شریفه‌ای که مربوط به سوره‌ی «صف» است، یکی از آن آیات است: «یریدون لیطفؤوا نوراللَّه بافواههم»[[1]](#footnote-1). **این آیه‌ی کریمه، راه خدا و دین خدا را به نور، آن هم نور خدا تشبیه فرموده است.** نور خدا چون منتسب به حضرت باریتعالی است، طبعاً از همه‌ی انواری که در ذهن بشر می‌گنجد - مثل نور خورشید و نور ستارگان و انوار قویتر از آن - به مراتب و به قدر بی‌نهایت قویتر است.

**دشمنیِ دشمنان را هم به پُف کردن با دهان تشبیه کرده است.** همان‌گونه که کسی پُف می‌کند و نور شمع یا چراغی را خاموش می‌کند، دشمنان می‌خواهند پُف کنند و نور خدا را خاموش کنند! نور خدا طبعاً از همه‌ی آنچه که در ذهن بشر می‌گنجد، قویتر است. اگر بگویند کسی نور خورشید را با هوای ضعیفی که از دهان خارج می‌کند، می‌خواهد خاموش کند، عقلا بر این تصمیم احمقانه و کودکانه، خنده‌ی تمسخر می‌زنند؛ چه رسد به نور خدای متعال.

**قرآن کریم، دین حق را به این نور تشبیه می‌کند و تلاش دشمنان را - چه تلاش نظامی، چه تلاش تبلیغاتی، چه تلاش سیاسی، چه تلاش اقتصادی و کلاًّ همه‌ی آنچه را که دشمنان، دیروز و امروز و در آینده در مقابل دین خدا عمل کرده‌اند - به همان هوای ضعیف و پُفی که از دهان کسی خارج می‌شود، تشبیه می‌کند.** این کید دشمن، چقدر در مقابل اراده‌ی ذات مقدّس پروردگار ضعیف است. «واللَّه متمّ نوره و لو کره الکافرون»[[2]](#footnote-2). این، وعده‌ای است که خدای متعال فرموده است. یعنی این‌طور مسلّم گردانیده است که هر جا حرکت و تلاش و نهادی مبتنی بر دین خدا پا گرفت، تلاش دشمنان خدا نمی‌تواند آن را از بین ببرد و نابود کند. البته شرایطی دارد که آن شرایط، در مجموعه‌ی معارف دین ذکر شده است؛ اما اصل و حقیقت مطلب، همین است. ما به تاریخ هم که نگاه می‌کنیم، همین را مشاهده می‌کنیم و درست هم همین است.»[[3]](#footnote-3)

علامه طباطبایی(ره) در توضیح این تشبیه فرماید:

پس معناى اينكه فرمود:" يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ" اين است كه كفار پنداشته‏اند نور خدا مانند نور شمع است كه با يك پف خاموش گردد، و همين كه آن را سحر بخوانند نورش خاموش گشته، رابطه‏اش با خدا قطع مى‏شود.

ولى در پندار خود خطا كردند، چون دين، نور خدا است كه به هيچ وجه خاموشى نمى‏پذيرد، نه تنها خاموش نمى‏شود كه خدا تماميت آن را اراده كرده، هر چند كه كافران كراهت داشته باشند.[[4]](#footnote-4)

ابن عاشور نیز تشبیه فوق در آیه را، تشبیه هیئت به هیئت از نوع معقول به محسوس می‌داند:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ

استئناف بياني ناشئ عن الإخبار عنهم بأنهم افتروا على اللّه الكذب في حال أنهم يدعون إلا الإسلام لأنه يثير سؤال سائل عما دعاهم إلى هذا الافتراء. فأجيب بأنهم يريدون أن يخفوا الإسلام عن الناس و يعوقوا انتشاره و مثلث حالتهم بحالة نفر يبتغون الظلام للتّلصّص أو غيره مما يراد فيه الاختفاء.

فلاحت له ذبالة مصباح تضي‏ء للناس، فكرهوا ذلك و خشوا أن يشعّ نوره على الناس فتفتضح ترهاتهم، فعمدوا إلى إطفائه بالنفخ عليه فلم ينطفئ، فالكلام تمثيل دال على حالة الممثل لهم.

**و التقدير: يريدون عوق ظهور الإسلام كمثل قوم يريدون إطفاء النور، فهذا تشبيه الهيئة بالهيئة تشبيه المعقول بالمحسوس.**

ثم إن ما تضمنه من المحاسن أنه قابل لتفرقة التشبيه على أجزاء الهيئة، فاليهود في‏ حال إرادتهم عوق الإسلام عن الظهور مشبّهون بقوم يريدون إطفاء نور الإسلام فشبه بمصباح. و المشركون مثلهم و قد مثّل حال أهل الكتاب بنظير هذا التمثيل في قوله تعالى:

وَ قالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ‏ إلى قوله: يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ‏ الآية في سورة براءة [30، 32]، و وصفهم القرآن بأنه سحر و نحو ذلك من تمويهاتهم، فشبه بنفخ النافخين على المصباح فكان لذكر بِأَفْواهِهِمْ‏ وقع عظيم في هذا التمثيل لأن الإطفاء قد يكون بغير الأفواه مثل المروحة و الكير، و هم أرادوا إبطال آيات القرآن بزعم أنها من أقوال السحر.

و إضافة نور إلى اسم الجلالة إضافة تشريف، أي نورا أوقده اللّه، أي أوجده و قدّره فما ظنكم بكماله.[[5]](#footnote-5)

1. - سوره صف، آیه ۸ [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان [↑](#footnote-ref-2)
3. - بیانات در تاریخ 1/1/1376 [↑](#footnote-ref-3)
4. - ترجمه تفسير الميزان، ج‏19، ص431 [↑](#footnote-ref-4)
5. - التحرير و التنوير، ج‏28، ص: 169 [↑](#footnote-ref-5)